

پیش‌خواب

نگاهی به کتاب «شهریور ۱۳۲۰ اسرار حمله متفقین به ایران»

آغاز شوم و نکبت‌بار سلطنت پهلوی دوم

پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸ (۱ اسپتا مبر ۱۹۳۹)، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد اما پس از آغاز تهاجم آلمان به شوروی به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی، این بی‌طرفی ناپایدار بود. نیروهای متفقین به بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران این کشور را اشغال کردند. در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰ متفقین به ایران حمله کردند و به مدت یک هفته، شهرهای شمالی و غربی و جنوبی ایران از چندین جهت مورد تهاجم همه‌جانبه ارتش سرخ شوروی و ارتش بریتانیا قرار گرفت؛ همچنین نیروهای شوروی به بمباران شهرهای شمالی و شمال‌غربی ایران پرداختند. کتاب «شهریور، ۱۳۲۰؛ اسرار حمله متفقین به ایران» به قلم محمدقلی مجد و با ترجمه علی‌اکبر رنجبر کرمانی با دستمایه قرار دادن این موضوع، در پی ارائه تصویری برای شناخت دقیق پهلوی اول و دوم است. این کتاب در ۱۵ فصل به وسیله پژوهشکده تاریخ معاصر برای بار نخست در سال ۱۳۹۶ و برای دومین بار در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: «۲۵ آگوست ۲۰۱۱، هفتادمین سالروز حمله نیروهای مسلح روس و انگلیس به ایران با نام رمز عملیات دیدار است. اشغال ایران از سوی متفقین و در پیامد آن بر کناری شاه وقت و جایگزینی ولیعهد او یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است. در عین حال آنطور که باید معاصر ایران است. و برای دومین بار در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: «۲۵ آگوست ۲۰۱۱، هفتادمین سالروز حمله نیروهای مسلح روس و انگلیس به ایران با نام رمز عملیات دیدار است. اشغال ایران از سوی متفقین و در پیامد آن بر کناری شاه وقت و جایگزینی ولیعهد او یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است. در عین حال آنطور که باید معاصر ایران است. و برای دومین بار در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: «۲۵ آگوست ۲۰۱۱، هفتادمین سالروز حمله نیروهای مسلح روس و انگلیس به ایران با نام رمز عملیات دیدار است. اشغال ایران از سوی متفقین و در پیامد آن بر کناری شاه وقت و جایگزینی ولیعهد او یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است. در عین حال آنطور که باید معاصر ایران است. و برای دومین بار در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.



تصویری از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰

و شاید به آن پرداخته نشده است. تاریخ ایران در دوره پیش از ظهور رضاشاه و پرامدن سلسله پهلوی در سال‌های ۱۹۲۰، نسبتاً به خوبی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته، اما تاریخ سال‌های پایانی حکومت رضاشاه و نفرت مردم از او، حمله متفقین به کشور، فروپاشی سریع رژیم رضاشاه و سقوط او و جانشینی پسرش محمدرضاشاه، عملاً بدون بررسی دقیق باقی مانده و برده از حقایق و دقائق آن برداشته نشده است! ارزیابی درست و منادار از رضاشاه و حکومت او بدون بررسی و مطالعه سال‌های پایانی سلطنتش و طرز سقوط وی ممکن نیست. همچنین ارزیابی درست از دوران محمدرضاشاه، بدون مطالعه، بررسی و تحقیق دقیق درباره آغاز شوم و نکبت‌بار سلطنت او نیز امکانپذیر نیست.»

شهریور ۱۳۲۰ کتابی است، با هدف بررسی سال‌های پایانی حکومت رضاشاه و نگاهی به نفرت مردم از او و حکومتش و شروع بحث برانگیز حکومت محمدرضا شاه که به رشته تحریر درآمده است. این کتاب اولین کتاب مستند به زبان انگلیسی از وقایع پیش آمده در زمان جنگ جهانی دوم ایران است که در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. شهریور ۱۳۲۰ که در ۱۵ فصل و ۶۹۲ صفحه نگاشته شده است به موضوعاتی چون شرایط ایران در آستانه جنگ و بررسی اقدامات متفقین، کشف حجاب زنان، روابط ایران با قدرت‌های بزرگ در آستانه جنگ جهانی، سقوط رضا شاه، سیاست بریتانیا و شوروی در حمله به ایران، جنگ ۸۰ساعته، تغییر شاه و اشغال نظامی تهران، تحولات سیاسی تهران، عملیات مشترک شوروی و بریتانیا، روابط ایران، روسیه، بریتانیا و آلمان، دارایی‌ها و املاک رضاشاه و... پرداخته است. بخش ضمیمه کتاب هم شامل نطق رادیویی محمد علی فروغی، در ۱۵ مهر ۱۳۲۰ و نطق دشتی پس از فرار رضاشاه به همراه تصاویر و ذکر نام اشخاص، قدمی بلند در تکمیل این اثر است.

تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۳۷

عاریخ

تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۳۷



تصویری از حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰

شکست پهلوی‌ها در شهریور ۱۳۲۰ و «جستارهایی در علل مقاومت ملت ایران» در گفت‌وگو با دکتر موسی فقیه حقانی

شهریور ۲۰ تنها تحقیر ۲۰۰ سال استکبارستیزی برای ایرانیان بود

سالروز رویدادها و حوادث تاریخی و نیز تولد و مرگ شخصیت‌های برجسته بهانه‌ای است برای بررسی علل پایادری ملت‌ها و نیز شکست‌های آنان در مقاطع مختلف تاریخ. سوم شهریور ۱۳۲۰ یکی از فرازهای تعیین‌کننده تاریخ معاصر در زمینه شناخت این علل است. ملتی که همواره با جنگ و دندنان از ناموس و مرزهای خود پاسداری کرده است، در شهریور ۲۰ پهرغم ادعاهای دهان پر یک رخصان در مورد ارتش نوین، در ظرف کمتر از ۸۰ ساعت تسلیم می‌شود. در گفت‌وگو با دکتر موسی فقیه حقانی، به سوابق مقاومت‌های تحسین‌برانگیز ملت ایران می‌پردازیم و سپس با بررسی علل شکست ایران در دوره پهلوی به مقاومت کم‌نظیر ملت ایران در جنگ هشت‌ساله اشاره می‌کنیم. امید آن که این اشارات چراغ راه اکنون و آینده ما باشد.

■ ■ ■

جناب دکتر حقانی! ملت ایران در طول تاریخ همواره با جنگ و دندنان از کبان و مرزهای خود دفاع کرده است، چرا و چگونه، در شهریور ۱۳۲۰ هیچ مقاومتی در برابر قوای متفقین صورت نمی‌گیرد و کشور در ظرف مدت کوتاهی به اشغال درمی‌آید؟

سوم شهریور سال ۱۳۲۰ به راستی پیر آمیز تحقیری است که بر ایران تحمیل شد. تحقیر و نقطه سیاهی که پیامدهای آن گریبان ملت را رها نکرد و با انقلاب اسلامی در سال ۱۲۵۷، همچنان گرفتار عوارض آن بودیم.

این عناصر مقاومت که اشاره کردید چه هستند؟

ملت ایران بیش از ۲۰۰ سال است، با استکبار در گیر است و در این مواجهه‌ها صحنه‌های باشکوهی را هم رقم زده است. مرجعیت دینی به عنوان عظیم‌ترین پشتوانه ملت، همواره در طول تاریخ نقش بی‌بدیلی را آفریده و در انقلاب اسلامی نیز پیروزی عظیمی را با یاری ملت رقم زده است. مرجعیت دینی پشتوانه‌ای است که ما همواره به اتکال آن در حرکت کرده و پیروز بوده‌ایم. از همین روست که استکبار جهانی همواره این محور اصلی مقاومت ملت ما را نشانه رفته است. اما اینکه چرا ملتی که توانست در دوره قاجار ۱۰ سال در برابر قوای روس مقاومت کند و بعد هم در دفاع مقدس آن حماسه باشکوه را رقم زد، در حمله متفقین ۸۰ ساعت هم مقاومت نکرد، به عوامل مختلفی بستگی دارد که من سعی می‌کنم به اختصار به آنها اشاره کنم. لازم به ذکر است که این تعبیر جنگ ۸۰ساعته را هم یک‌کلی‌ها دارد باره این رویداد به کار برده که خود حاوی طنز و تحقیر بسیاری است. این موضوع حتی برای خود انگلیسی‌ها هم حیرت‌آور بود. تحقیق عمیق‌تر از همه اینکه خود دولت هم صراحتاً اعلام کرد، مقاومت ما در برابر روس‌ها در شهریور ۴۰ ساله بود.

پیش از آنکه به کشور حمله می‌شد، رؤسای ایلات و عشایر خود را موظف می‌دانستند از کشور دفاع کنند. نکته مهم اینکه اینها برای حکومت‌ها هزینه‌ای هم نداشتند و تازه به حکومت مالیات هم می‌دادند و وقتی هم جنگ می‌شد، جوانان خود را به مقابله با دشمن می‌فرستادند البته با توجه به شرایط روز دنیا وجود یک ارتش منظم مجهز، ضرورت داشت، اما این بدان معنا نبود که ساختاری چنین کارآمد و پا به رکاب را از بین ببریم. در سال ۱۲۱۸ هجری قمری زمانی که روس‌ها به ایران حمله کردند، ایلات و عشایر و

پیش از آنکه به کشور حمله می‌شد، رؤسای ایلات و عشایر خود را موظف می‌دانستند از کشور دفاع کنند. نکته مهم اینکه اینها برای حکومت‌ها هزینه‌ای هم نداشتند و تازه به حکومت مالیات هم می‌دادند و وقتی هم جنگ می‌شد، جوانان خود را به مقابله با دشمن می‌فرستادند البته با توجه به شرایط روز دنیا وجود یک ارتش منظم مجهز، ضرورت داشت، اما این بدان معنا نبود که ساختاری چنین کارآمد و پا به رکاب را از بین ببریم. در سال ۱۲۱۸ هجری قمری زمانی که روس‌ها به ایران حمله کردند، ایلات و عشایر و

۱۳۲۰ طی گزارشی می‌نویسد، نیروها با هیچ رفتار خصمانه یا مقاومتی از سوی اهالی قصر شیرین و نفت شاه روبه‌رو نشدند و حتی مردم اطلاع هم نداشتند، به کشورشان حمله شده است، در حالی که انگلیسی‌ها از مدت‌ها قبل اطلاع داده بودند، قرار است حمله کنند، اما مردم با اطلاع نداشتند یا اگر داشتند دلیلی برای مقاومت نمی‌دیدند. نیروهای انگلیس از چهار نقطه بدون هیچ مقاومتی وارد ایران می‌شوند و در نتیجه به‌سرعت پیشروی می‌کنند. آنها می‌توانند آبادان و جنوب ایران را به راحتی تصرف کنند و نیروهای هندی تحت امر آنها تمام تأسیسات نفتی را از قوای نظامی ایران پاک‌سازی می‌کنند و به قول خودشان آنها را کاملاً سالم تحویل می‌گیرند. در این تهاجم گسترده کوچک‌ترین آسیبی به نیروهای بریتانیا وارد نمی‌شود و نل‌های بریتانیایی صحیح و سالم باقی می‌مانند.

با توجه به سوابق تاریخی ملت ایران چنین واکنشی حیرت‌انگیز نیست؟

از ملتی که در جنگ آوری زیاتر بوده، چنین واکنشی بسیار بعید است. از همین رو بررسی علل و موجبات این فرایند می‌تواند بسیار کارساز و عبرت‌آموز باشد.

اما جریان روشنفکری به‌ویژه در این روزها تلاش می‌کند تقصیر را به گردن مردم بیندازد.

بله در فرایند تطهیر خاندان پهلوی، به‌ویژه پهلوی اول، جریان روشنفکری همچنان به نقش تاریخی خود ادامه می‌دهد و می‌گوید در جریان سوم شهریور ۱۳۲۰ مردم دست‌های خود را به میدان نیاوردند، در حالی که موضوع اصلاً ربطی به مردم ندارد و خود رژیم رضاشاهی دستور ترک خاصه را داده بود و حتی قبل از آن فرماندهانش قرار داده بودند. نباید از یاد ببریم، بحث نفوذ و عوامل نفوذی بسیار جدی بود و است. در قضیه اشغال آبادان و پالایشگاه آبادان، جریان نفوذ بسیار کارآمد بود. به همین دلیل نیروی نظامی انگلیس توانست خیلی راحت بدون آنکه در برابرش مقاومتی صورت بگیرد طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده همه جا را تصرف کند.

پیش از تشکیل ارتش به اصطلاح نوین رضائاتی، نیروهای نظامی ایران به چه شکل عمل می‌کردند؟

پیش از آنکه به کشور حمله می‌شد، رؤسای ایلات و عشایر خود را موظف می‌دانستند از کشور دفاع کنند. نکته مهم اینکه اینها برای حکومت‌ها هزینه‌ای هم نداشتند و تازه به حکومت مالیات هم می‌دادند و وقتی هم جنگ می‌شد، جوانان خود را به مقابله با دشمن می‌فرستادند البته با توجه به شرایط روز دنیا وجود یک ارتش منظم مجهز، ضرورت داشت، اما این بدان معنا نبود که ساختاری چنین کارآمد و پا به رکاب را از بین ببریم. در سال ۱۲۱۸ هجری قمری زمانی که روس‌ها به ایران حمله کردند، ایلات و عشایر و

مردم عادی به مقاومت برخاستند. این جنگ ۱۰ سال طول کشید. در طول این مدت شهرهای مرزی در گیر بودند و مردم از مرکز و شهرهای دیگر به آنها کمک می‌رساندند. نیروهای ایرانی در بعضی از مناطق با جنگ‌های چریکی، نیروهای ارتش تزاری را کاملاً زمینگیر کرده بودند. در بعضی از مقاطع هم روس‌ها را شکست دادیم و غنایم خوبی از آنها گرفتیم.

با چنین سابقه درخشانی چرا شکست خوردیم؟

ایران مغلوب جنگ نرم دشمن شد. دستگاه حاکمه قاجار این همه مقاومت را در مردم دید، اما چون ظرفیت و نیروی مردم را باور نداشت، به سراغ انگلیسی‌ها رفت و به آنها اعتماد کرد و با آنها پیمان بست. سپس وقتی انگلیسی‌ها در جاهایی که باید کمک نکردند، به سراغ فرانسوی‌ها رفت و از ناپلئون کمک خواست، اما ناپلئون با روس‌ها پیمان تیلیست را بست و به ایران پشت کرد. آنها فرماندهان ما را فریب دادند و ظرفیت‌های کشور ما را هدف گرفتند تا آنها را از بین ببرند. با این همه ملت ایران نه تنها مقاومت کرد، بلکه در اواخر جنگ به پیروزی‌هایی دست یافت.

به نظر شما بهترین شیوه مقاومت، در برابر دشمنان در آن مقطع زمانی چه می‌توانست باشد؟

عشایر نیروهای رزمنده کشور بودند و هزینه‌ای را هم به حکومت تحمیل نمی‌کردند و با شیوه جنگ چریکی خود دشمن را باورهای شکست داده بودند، لذا باید آنها را سازماندهی بیشتری می‌کردند. در اواخر جنگ تشکیلات فراماسونری هم در ایران به راه افتاد و اعضای وابسته به این جریان به دربار نفوذ کردند. سفیر ایران در انگلیس در خاطر اتش صراحتاً نوشته است: «که توانستم تشکیلات ماسونی را در ایران راه بیندازم. بعداً میرزا ملکم خان توانست این کار را بکند، ولی خود من توانستم درباری‌ها و اطرافیان فتحعلی شاه را جذب این جریان کنم. همین‌ها بودند که به عباس میرزا وقایع مقام فشار آوردند، آتش‌پس را بپذیرند و به جنگ خاتمه دهند، در حالی که هیچ‌یک از این دو امری به این کار نبودند. تهران از اعزام نیرو و ارسال آذوقه و کمک خودداری کرد و نیروهای نظامی در مضیقه قرار گرفتند و کم‌کم این رزمه شنیده شد که باید مسائل را با گفت‌وگو حل کرد و جنگ بی‌فایده است. جریان نفوذی ماسونی در این ماجرا نقش فوق‌العاده مؤثری داشت. سفیر انگلیس به فتحعلی‌شاه وعده داد، اگر آتش‌پس را بپذیرد، انگلستان از حقوق ایران دفاع خواهد کرد. نتیجه این وعده و وعید امضای قرارداد انگلستان و از دست رفتن بخش‌های زیادی از قفقاز بود.

به نقش مرجعیت شیعه در جربانات اجتماعی و سر نوشت جنگ‌ها اشاره کردید، آنان در این برهه تاریخی چه نقشی را ایفا کردند؟



تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۳۷

عاریخ

تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۳۷

و خاورمیانه جدیدی که این روزها هم حرفش هست ایجاد شود. به اعتقاد من امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در حال حاضر هم به دنبال آن هستند اگر شد ایران را به کلی از بین ببرند و اگر در این زمینه موفق نشدند، با تجزیه ایران، از کشوری قدرتمند، چند کشور ضعیف بسازند، چون حضور یک ایران بزرگ و مقتدر برای آنها دردسر آفرین است.

بر سر کار آوردن رضاخان هم پروژه‌ای برای تضعیف ایران بود؟

قطعاً همین‌طور است. در قبال ملتی که در هر شرایطی مقاومت کرده، یک بار ۱۰ سال و بار دوم سه سال با روسیه و سه بار برای حفظ هرات جنگیده و کوتاه نیایده، جنگ سخت کارساز نیست و لذا دشمن تلاش می‌کند او را با جنگ نرم از کار بیندازد؛ یعنی همان شیوه‌ای که پس از هشت‌سال دفاع مقدس در پیش گرفت. ما در جنگ جهانی اول ۵ میلیون نفر را در قحطی از دست دادیم، ولی باز هم جنگیدیم و و نگذاشتیم دشمن به راحتی کارش را از پیش ببرد.

هدف اصلی از کودتای رضائاتی چه بود؟

غرض از کودتا طبق گزارش‌های خود انگلیسی‌ها استفاده از منابع و ظرفیت‌های ایران برای تسهیل تشکیل دولتی صهیونیستی در قلب خاورمیانه بود. انگلیسی‌ها از سال ۱۳۰۰ و حتی جلوتر، نقشه تأسیس اسرائیل را کشیده بودند، منت‌هایی خواستند پس از کودتا از ظرفیت‌های ایران برای تأمین منافع این دولت نهایت استفاده را ببرند.

مشخصاً از کدام یک از ظرفیت‌های ایران برای نیل به این مقصود استفاده کردند؟

ابتدا از نفت که منجر به غارت گسترده منابع ایران شد و دوم مهاجرت به فلسطین. پیش از این سلطان حمیدعثمانی چنین اجزای‌ای را به آنها نمی‌داد، لذا قرار شد با شناسنامه ایرانی و تحت عنوان مذهب تشیع یا دین اسلام به آنجا مهاجرت کنند. پدر امیرعباس هویدا که بهایی بود، کنسولگری‌های ایران در شامات را فعال و به صهیونیست‌های مهاجر کمک کرد. صهیونیست‌ها از روسیه و عراق به ایران می‌آمدند و به عنوان مسلمان گذرنامه می‌گرفتند و به فلسطین می‌رفتند و زمین‌های آنها را می‌خریدند و به تدریج فلسطین را از بین بردند و دولت صهیونیست را ایجاد کردند. هم‌زمان در ایران کودتای رضائاتی صورت گرفت و مردم و به‌ویژه علما سرب کوب شدند. اصلی‌ترین وظیفه رضاخان از بین بردن ظرفیت روحانیت و مردم بود.

برخی تلاش می‌کنند انگلیس را از این کودتا تبرأ جلوه دهند، پاسخ شما به این افراد چیست؟

در این زمینه آنقدر مدرک و سند وجود دارد که امکان تطهیر استعمار مخصوصاً انگلیس به کلی منفی است. افراد جیره‌خوار برای تطهیر استعمار کار می‌کردند تا بریادیت انجام می‌دهند، اما تلاش بیهوده‌ای است. هدف استعمار تسلط بر نفت و سپس سلطه بر مسائل مالی ایران بود. در این زمینه بانک شاهنشاهی متعلق به انگلیس و بانک استقراضی متعلق به روس‌ها مسائل مالی ایران را اداره می‌کردند. رضاخان در طول ۱۶ سال سلطنت، پول نفت مردم ایران را صرف خرید تجهیزات برای به اصطلاح ارتش نوین ایران به هدر می‌دهد. ارتشی که به گفته وابسته نظامی سفارت فرانسه تا سه روز هم قادر به مقاومت در برابر تهاجم بیگانگان نیست! ارتشی که باید از کبان کشور دفاع کند، در فاصله ۱۴ سال یعنی از ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۷ جز بمباران و سرکوب ولات و عشایر ایران کاری انجام نمی‌دهد.

سنگر مهم دیگری که رضاخان نشانه گرفت، روحانیت شیعه و حوزه‌های علمیه بود.

این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید.

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، یک سال پس از کودتا حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. رضاخان در دو سه سال اول سلطنت، جرئت نداشت با حوزه و دگر شود، چون روحانیت به دلیل نقش تعیین‌کننده در مشروطیت، هنوز مهم‌ترین قدرت مورد اعتماد مردم بود. او حتی جلوی دسته‌های عزاداری راه می‌افتاد و به سر و صورتش گل می‌مالید و شام غریبان می‌گرفت. بعد که قدرت گرفت، به سراغ روحانیت شیعه و در رأس آنها شهید مدرس رفت. به دستور او شهید مدرس پنج بار مورد سوء قصد قرار گرفت. سرانجام هم دستور داد در تبعید ایشان را با زین‌آرین روزه شهید کنند. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، حوزه را راه انداخت و نهایت تلاش از کرد که با رضاخان درگیر نشود، اما رضاخان در مسیر حرکت ضددینی خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد. این جمله اینکه با چکمه و ماشین وارد حرم حضرت معصومه(س) شد و مرحوم بافقی را به دلیل اینکه به زن دختر او که بی حجاب وارد حرم شده بودند اعتراض کرده بود، زد لگد و مشت گرفت و تبعید کرد. حاج‌شیخ عبدالکریم حائری که مقصود رضاخان از این شلتاق‌ها را در یافته بود، به همه دستور داد در قبال این حادثه هیچ واکنشی نشان ندهند. او می‌دانست رضاخان قصد داد کار حوزه را یکسر کند.

و سخن پایانی؟

مرور تاریخ در واقع گرفتن عبرت و جلوگیری از تکرار رویدادهاست. مردم در سوم شهریور ۱۳۲۰ رهنق مقاومت و نه میل به مقاومت داشتند. آنها فکری می‌کردند آیا باید مقاومت کنند که رضاخان با آن همه جفاًع و جنایاتی که مرتکب شده بود همچنان به سلطنتش ادامه بدهد؟ رضاخان در نامه‌ای که از جزیره مورس برای پسرش محمدرضا می‌نویسد می‌گوید که من نمی‌دانم چرا مرا با برداشتند؟ من که هر چه را از من خواستند برایشان انجام دادم. تجربه هشت سال دفاع مقدس نشان داد اگر ملتی جایگاه و هویت تاریخی خود را تشخیص دهد، ظرفیت‌های مختلف خود را بشناسد، جربانات تاریخی و نقش عوامل مؤثر در حرکت‌های اجتماعی و نیز عملکرد استعمار را تشخیص دهد، می‌تواند از تمام کرده‌های خلیطه به سلامت عبور کند. البته این حرکت مستلزم زحمت و رنج بسیار، اما هم‌راه با سربلندی و عزت است.

درد

در اواخر دوره جنگ‌های ایران و روس، قائم مقام و عباس میرزا دریافتند، دربار قصد ندارد به آنها کمک کند، لذا دست به دامان علما شدند و از آنها خواستند که فتوای جهاد صادر کنند. به دنبال این تقاضا فتاوای جهادیه صادر شدند. طبق این فتاوا بر هر مسلمانی واجب بود با کفار روس بجنگد و چنانچه در این جنگ کشته می‌شد، به مقام شهادت می‌رسید. نتیجه این شد که تنها در آذربایجان ۱۰۰هزار نفر برای مبارزه با روس‌ها بسیج شدند و توانستند همه مناطق از دست رفته را پس بگیرند، اما متأسفانه باز هم عناصر نفوذی این ظرفیت‌ها را از بین بردند و جریان ماسونی و جریان غربگرا مانع از دخالت روحانیت شیعه در امور شدند

در اواخر دوره جنگ‌های ایران و روس، قائم مقام و عباس میرزا دریافتند، دربار قصد ندارد به آنها کمک کند، لذا دست به دامان علما شدند و از آنها خواستند فتوای جهاد صادر کنند. به دنبال این تقاضا فتاوای جهادیه صادر شدند. طبق این فتاوا بر هر مسلمانی واجب بود با کفار روس بجنگد و چنانچه در این جنگ کشته می‌شد، به مقام شهادت می‌رسید. نتیجه این شد که تنها در آذربایجان ۱۰۰ هزار نفر برای مبارزه با روس‌ها بسیج شدند و توانستند همه مناطق از دست رفته را پس بگیرند، اما متأسفانه باز هم عناصر نفوذی این ظرفیت‌ها را از بین بردند و جریان ماسونی و جریان غربگرا مانع از دخالت روحانیت شیعه در امور شدند.

مردم عادی به مقاومت برخاستند. این جنگ ۱۰ سال طول کشید. در طول این مدت شهرهای مرزی در گیر بودند و مردم از مرکز و شهرهای دیگر به آنها کمک می‌رساندند. نیروهای ایرانی در بعضی از مناطق با جنگ‌های چریکی، نیروهای ارتش تزاری را کاملاً زمینگیر کرده بودند. در بعضی از مقاطع هم روس‌ها را شکست دادیم و غنایم خوبی از آنها گرفتیم.

با چنین سابقه درخشانی چرا شکست خوردیم؟

ایران مغلوب جنگ نرم دشمن شد. دستگاه حاکمه قاجار این همه مقاومت را در مردم دید، اما چون ظرفیت و نیروی مردم را باور نداشت، به سراغ انگلیسی‌ها رفت و به آنها اعتماد کرد و با آنها پیمان بست. سپس وقتی انگلیسی‌ها در جاهایی که باید کمک نکردند، به سراغ فرانسوی‌ها رفت و از ناپلئون کمک خواست، اما ناپلئون با روس‌ها پیمان تیلیست را بست و به ایران پشت کرد. آنها فرماندهان ما را فریب دادند و ظرفیت‌های کشور ما را هدف گرفتند تا آنها را از بین ببرند. با این همه ملت ایران نه تنها مقاومت کرد، بلکه در اواخر جنگ به پیروزی‌هایی دست یافت.

به نظر شما بهترین شیوه مقاومت، در برابر دشمنان در آن مقطع زمانی چه می‌توانست باشد؟

عشایر نیروهای رزمنده کشور بودند و هزینه‌ای را هم به حکومت تحمیل نمی‌کردند و با شیوه جنگ چریکی خود دشمن را باورهای شکست داده بودند، لذا باید آنها را سازماندهی بیشتری می‌کردند. در اواخر جنگ تشکیلات فراماسونری هم در ایران به راه افتاد و اعضای وابسته به این جریان به دربار نفوذ کردند. سفیر ایران در انگلیس در خاطر اتش صراحتاً نوشته است: «که توانستم تشکیلات ماسونی را در ایران راه بیندازم. بعداً میرزا ملکم خان توانست این کار را بکند، ولی خود من توانستم درباری‌ها و اطرافیان فتحعلی شاه را جذب این جریان کنم. همین‌ها بودند که به عباس میرزا وقایع مقام فشار آوردند، آتش‌پس را بپذیرند و به جنگ خاتمه دهند، در حالی که هیچ‌یک از این دو امری به این کار نبودند. تهران از اعزام نیرو و ارسال آذوقه و کمک خودداری کرد و نیروهای نظامی در مضیقه قرار گرفتند و کم‌کم این رزمه شنیده شد که باید مسائل را با گفت‌وگو حل کرد و جنگ بی‌فایده است. جریان نفوذی ماسونی در این ماجرا نقش فوق‌العاده مؤثری داشت. سفیر انگلیس به فتحعلی‌شاه وعده داد، اگر آتش‌پس را بپذیرد، انگلستان از حقوق ایران دفاع خواهد کرد. نتیجه این وعده و وعید امضای قرارداد انگلستان و از دست رفتن بخش‌های زیادی از قفقاز بود.

به نقش مرجعیت شیعه در جربانات اجتماعی و سر نوشت جنگ‌ها اشاره کردید، آنان در این برهه تاریخی چه نقشی را ایفا کردند؟

علاوه بر اشغال، قحطی یا به تعبیری

هولوکاست ایرانی هم مزید بر علت شد.

به این فاجعه هم که غالباً از کنار آن عبور می‌شود اشاره‌ای داشته باشید.

در دوره اشغال علاوه بر روس‌ها و انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها و عثمانی‌ها هم در ایران حضور داشتند. در آن قحطی بیش از ۱۱ میلیون نفر از بین رفتند. برخی این آمار را اغراق آمیز می‌خوانند، ولی رقم ۵ میلیون نفر قطعی است. در آن دوره جمعیت ایران نهایتاً ۱۵ میلیون نفر بوده و از بین رفتن یک سوم جمعیت کشور قطعاً فاجعه‌ای بزرگ‌تر از هولوکاست‌های تاریخ است، آن هم برای کشوری که درگیر جنگ نبود و اسبابا در این میان نقشی نداشت. بدیهی است، انگلیس و روس با یکدیگر به توافق رسیده بودند، ایران را کاملاً نابود کنند و بهترین راهی که به نظر شان رسید، از بین بردن جمعیت کشور بود. با تمام این فجا‌ع، مردم، رجال وطن‌پرست و دلسوز جاتنه مقاومت کردند و نگذاشتند کشور تجزیه شود، در حالی که قرار بود جنوب و شرق به انگلیس و شمال‌غرب و بین‌النهرین به روس‌ها برسد